

ضرورت ارتباط جنبش کارگری ایران با نهادهای بین المللی کارگری (۱)

مهدی کوهستانی

جمعه پانزدهم شهریور ۱۳۸۷

مدتهاست که جنبش کارگری ایران به ضرورت همکاریهای بین المللی در سطح جهانی پی برده است و افراد، فعالین کارگری و نهادها بطور عینی در عرصه عملی و نظری به این مهم پرداخته و میپردازند، طبیعی است که جنبش کارگری در رویکردش به جنبش بین المللی از نقاط ضعف و قوت خاص خود برخوردار باشد، در این نوشتار سعی میکنم به این نقاط بر اساس تجاربی که بدست آورده ام نگاهی داشته باشم. بدون تردید بررسی این مهم زوایای دیگری از پیشبرد مبارزه را در مقابل ما باز خواهد کرد.

از آنجائیکه همکاریهای بین المللی با اتحادیه ها و نهادهای بین المللی از پیچیدگیهای و ویژگیهای خاص خود برخوردار بوده و امری زنده و پویاست، مستلزم شناخت و آگاهی ما از این نهادها بوده و سطح خواست و مطالبات ما از این ارتباط و همکاری را تعیین میکند.

شناخت و آگاهی ما نسبت به نهادها و ارگانهای بین المللی کارگری کمک میکند تا ما ضمن برداشتی عینی و دیدی واقعی نسبت به شرایط این دوره جنبش کارگری جهانی، از سطح حمایتها و پشتیبانی اتحادیه های بین المللی و از جنبش کارگری در هر کشور مشخص آگاه باشیم. تا ارزیابی خود را از میزان و توان حمایتها و پشتیبانی سازمانهای جهانی کارگری بر اساس محدوده امکانات و تا حدودی انگیزه آنها قرار دهیم.

موضوع حق تشکل مستقل و ارتباط با نهادهای بین المللی در هر کشوری بسته به اوضاع اجتماعی سیاسی و سطح رشد و کیفیت جنبش کارگری آن کشور و بطور مشخص نیروهای متخاصم طبقاتی درگیر در آن میباشد، سوال اساسی مطرح شده در این رابطه را میتوان چنین فرمول بندی کرد: ارزیابی ما از چگونگی طرح مطالبات، کسب حمایتها و برقراری ارتباط با هم طبقاتی هایمان چیست؟ یا چگونه باید باشد؟

اهمیت حمایتهای بین المللی از جنبش کارگری هر کشوری در این نکته نهفته است که جنبشهای کارگری در غالب کشورهای وابسته و تحت سلطه زیر فشار و سرکوب قرار دارند و حمایتهای بین المللی علیرغم تمام محدودیتهای کمی و کیفی اش میتواند کمکی باشد برای تسهیل مبارزه در یک کشور مشخص و انعکاس اخبار مبارزات کارگری آن کشور در سطح جهان و آماده سازی ذهنی و بسیج عملی همکاران طبقاتی خویش برای استفاده از تجربیات و حمایت یکدیگر و در نهایت نباید از نظر دور داشت که این جنبش کارگری مستقل هر کشوری است که بسته به سطح کمیت و کیفیت سازمانیافتگی و ذهنیت خود روند سرنوشت خویش را رقم میزند. و حفظ استقلال از مهم ترین مسائل است

یکی از مشکلات جنبش کارگری در شرایط جاری گسترش پدیده میلیتاریسم سرمایه داری بین المللی به بهانه مبارزه با تروریسم و تامین امنیت ملی میباشد. تضاد دولتهای سرمایه داری که آنها را در نقاطی از جهان بر بستر حفظ سلطه خویش در مقابل یکدیگر قرار میدهد، تضادی نیست که در حفظ منافع واقعیشان مانع از دفاع از یکدیگر در برابر

نیروی کار شود. وجه تمایز سیاستهای جهانی جنبش کارگری هر کشوری با احزاب بورژوازی و دولتهای حاکم بر آن کشور در این نکته نهفته است که ارتباط جنبشهای کارگری کشورهای مختلف با یکدیگر از جایگاه فروش نیروی کار و نیاز به یک زندگی انسانی و شایسته برمیخیزد. که طبیعتاً بر بنیانی طبقاتی استوار است و با گذشت زمان ویژگی این همبستگی بین المللی طبقاتی برجسته میشود. در صورتی که در اردوی مخالف تلاش احزاب بورژوازی برای پیشبرد سیاستها بر اساس رقابت هژمونی طلبی و تحت انقیاد درآوردن یکدیگر صورت گرفته و برای نیل به هدف از هیچگونه قساوتی فروگذار نمیکنند..

به طور مثال میتوان به قراردادهای دو جانبه ئی اشاره کرد که دولتهای بسیاری از کشورها بر اساس منافع طبقات حاکم منعقد میکنند که کمیت این قرار دادها از رشد چشمگیری برخوردار بوده است و در همین زمان افول روز افزون سازمان تجارت جهانی و از بین رفتن نقش کلیدی آن را شاهد هستیم. در مقابل قراردادهای دو جانبه دولتها، جنبشهای کارگری متشکل در اتحادیه های این کشورها نیز اقدام به امضاء توافقاتی با دولتهای دو جانبه میکنند که پاسخی است به اقدامات ضد کارگری دولتهای خویش که در این مورد میتوان به موارد توافقات اتحادیه های کارگری کشورهای آمریکا، آفریقا و آسیا اشاره کرد. یا به توافقات اتحادیه های کشورهای کلمبیا و کانادا و یا اتحادیه های کره جنوبی و کانادا با مضمون مبارزه برای حقوق بشر کارگری و یا برخورد به وضعیت مشاغل در آفریقا و سیاستهای اقتصادی چین در آنجا و یا موارد مربوط به اتحادیه های جهانی Global Union در رشته های حمل و نقل و صنایع غذایی میتواند در این زمره قرار گیرد. اینها تجارب مهمی است که میتواند مورد توجه جنبش کارگری ایران قرار گیرد. بطور مثال در ارتباط با کارگران صنایع ماشین سازی ایران با همتایان فرانسوی شان و یا کارگران صنایع تولید مواد نفتی با همتایان طبقاتی اسکانندیناویشان در انتقال تجربه و پیشبرد مبارزه و همچنین حمایتهای کارگری کمک بزرگی داشته باشد. با نقد شرایط و ویژگیهای حاکم بر جنبش کارگری ایران میتوان تجارب مطروحه در ارتباط با همبستگی بین المللی کارگران را به شکل ملموس تری پیش رو قرارداد.

در دهه هشتاد شمسی جنبش کارگری ایران برای کسب ابتدایی ترین حقوق خود از رشد چشمگیری برخوردار بود. جنبش کارگری ایران در تقابل با رژیمی قرار داشت که نه تنها حقوق کارگران را برسمیت نمیشناخت بلکه کوچکترین اعتراض را با مشت آهنین جواب میداد که سرکوب و کشتار کارگران خاتون آباد شهر بابک کرمان بخاطر اعتراضشان به اخراج و برای بازگشت به کار با توجه به اعتراض محدودشان گویاترین نمونه آن است.

درست در همان اوایل دهه هشتاد شمسی مسئولین حکومت کارگاههای آموزشی برگزار میکردند برای چگونگی سد کردن حرکات کارگری که در این کارگاههای آموزشی از مسئولان بخش اروپایی شرقی دانشگاههای اروپای دعوت به عمل میاورند برای درس دادن در این کارگاههای آموزشی که چگونه درسیستمهای بلوک شرق سابق که از لحاظ امنیتی مانند حکومت ایران بوده اند با فعالیتهای کارگری مخفی میشود مبارزه کرد.

در اصل سخت نیست که تشخیص داد که در هر دو جبهه علنی و مخفی مبنای آنان چه بوده است. حداقل تجربه دهه شصت موجود است که چگونه فعالین کارگری را در تور میانداختند و امروز هم که میخواهند نهادهای علنی را به کج راه ببرند، با تهدید برای انصراف از فعالیتهای و تفرقه انداختن در میان آنها و هم برچسب زدن و متصل کردن این نهادها که با دشمن در ارتباط هستند و امنیت ملی را بخطر میاندازند.

بر بستر چنین شرایطی بود که توجه جنبش کارگری به کشف راههای درست انتقال اخبار کارگری و کسب حمایت‌های داخلی و بین‌المللی نسبت به خود معطوف شد. این عطف توجه از این زاویه مهم بود که جنبش کارگری ایران دریابد که متحدین بین‌المللی اش چه کسانی و کدام نهادها میباشند؟ و چگونه میتوان دولت سرمایه داری را ملزم به رعایت اصول اولیه قوانین کارگری کرد؟ و در این رابطه بود که رویکرد جنبش کارگری ایران به نهادهای جهانی کارگری صورت گرفت و ILO به عنوان سازمان بین‌المللی و نهاد سه‌جانبه (دولت-کارفرما و کارگر) که رژیم ایران مقوله نامه‌ها و پرنسیپهای آنرا امضاء کرده است مورد توجه قرار گرفت که میتوانست مورد درخواست کمک از طریق اعضای کارگرایش و فشار سیاسی و دیپلماتیک به ایران واقع شود. و این را نباید از یاد برد آی‌ال‌او نهاد سه‌جانبه است و دولتها بیشترین نمایندگان را دارند و نهادهای کارگری از این سازمان انتظار معجزه ندارند ولی در شرایطی که سازمان ملل دیگر نقش خود را از دست داده است این نهاد هنوز امکان فشار به رژیمهای ضد کارگری را دارد. و دستاورد این نوع کارها را نه ضد و بند بلکه عقب نشینی حکومت باید دانست. چرا که تا به امروز سندی وجود ندارد که نشان دهد در کاری از جانب حکومت در رابطه با مسائل کارگری شده باشد و نهادهای کارگری امتیازی به آنها داده باشند و یا سکوت کنند. نه تنها سکوت نکرده اند و تا بوجود آمدن تشکل مستقل حمایت جدی خود را ادامه خواهند داد.

البته در این مقطع طرح خواست اخراج ایران از این سازمان پیشنهاد اصولی نیست بلکه باید بجای نمایندگان غیر واقعی کارگری از وجود نمایندگان الترناتیو واقعی کارگری صحبت شود و حمایت جدی از اینکار برای طرح مسائل و مشکلات واقعی جنبش کارگری ایران در دوره حاضر در نبود نهادهای مناسب بین‌المللی از این امکان باید به بهترین وجهی استفاده شود. چرا که تا همین دوره حاضر بخاطر اطلاعات درست از نحوه کارکرد به اصطلاح نهادهای کارگری دولتی ایران و نقش آنان در محیط کار توسط آی‌تی‌یوسی، گلوبال یونیون و اتحادیه‌های عضو از هرگونه ممانعتی با حکومت ایران جلوگیری بعمل آمده است که سعی میکنم با ذکر یک مثال عملی به آن در قسمت بعد بپردازم.

جنبش کارگری ایران در پروسه برقراری ارتباط با جنبش کارگری کشورهای پیشرفته برای کسب شناخت از پیچیدگی‌ها و ویژگیهای نهادهای کارگری این کشورها گاهی همانگونه که از تجربه همکاری و همیاری با عناصر و نهادهای دانشگاهی و آکادمیک بهره گرفته استفاده نموده و امکانات فکری و نظری خویش را در این رابطه فعال ساخته اند. تجربه نشان داده که جنبشهای اجتماعی ایران همواره از عناصر و اشخاص مترقی آکادمیک و صاحب نظر در طول تاریخ خود بهره مند بوده است و آنچه در این رابطه نباید از نظر دور داشت شود حفظ استقلال شخصیتی، نهادی و طبقاتی جنبش کارگری و رابطه اصولی و غیر ابزاری ما بین عناصر، نهادهای کارگری-حقوق بشری و محافل آکادمیک و دانشگاهی با جنبش کارگری است که مبنا و اساس خود را بر نقد مثبت از گفتار و کردار و زدودن موانع پیش روی جنبش کارگری قرار میدهد. این همکاری و همیاری به جنبش طبقه کارگر این فرصت را میدهد که با استفاده از منابع محدود خویش از امکانات جهانی موجود در دفاع از خود شناخت لازم را کسب کرده و در نبود یک جنبش سازمانیافته داخلی مدافع مزدبگیران از ظرفیت نهادهای کارگری دیگر کشورها برای دستیابی به مطالبات خود بهره مند گردند که تجربه سه کمپین بین‌المللی در آزادی فعالین کارگری و برسمیت شناختن حق تشکل در دو سال گذشته شاهدهی بر این ادعا است.

حتی اگر این حمایتها به نسبت طول و عرض جنبش کارگری ایران از کمیت و کیفیت بالائی برخوردار نبوده باشند در

نوع خود قابل استناد و تاکید میباشند، چرا که بعد حمایتی که جنبش بین المللی کارگری در دهه هشتاد میلادی قرن گذشته از جنبش کارگری و ضد آپارتاید آفریقای جنوبی و تا همین دوره حمایت از حقوق حقه مردم فلسطین و برمه، حمایت از جنبش کارگری ایران در نوع خود بینظیر بوده است. بخصوص که جنبش کارگری ایران حتی از حمایت نیروهای جنبش چپ بین المللی خود نیز محروم بوده است، اهمیت رویکرد جنبش کارگری ایران به جنبش بین المللی کارگری در شرایطی قابل بررسی است که جنبش کارگری ایران تاکنون از حمایت همطبقه های سازمان یافته طبقاتی خود در اتحادیه های کشورهای غربی و یا امریکای شمالی و جنوبی محروم نبوده است.

با مطرح شدن و حضور بیرونی جنبش کارگری ایران، عمق و وسعت حمایت‌های بین المللی از آن دامنه خود را به سراسر جهان گشاده و علاوه بر تشکلات سازمانیافته کارگری کشورهای غربی اتحادیه های کارگری کشورهای خاورمیانه، آسیا و آفریقا نیز به صف حامیان اصلی مبارزات کارگران ایران پیوسته اند. جنبش بین المللی کارگری امروز با آگاهی بر معضلات جنبشهای کارگری و اجتماعی ایران مانند خصوصی سازی، بیکاری، اخراجهای گروهی، عدم پرداخت حقوق، کار و استثمار کودکان، تبعیضهای جنسی که در مورد زنان کارگر اعمال میشوند آگاهند. جنبش بین المللی کارگری در جریان فشارهای مختلف در مورد کارگران و کارکنان اقلیتهای مذهبی، نداشتن حق تشکلهای صنفی و سیاسی مستقل کارگری بعنوان یک ضرورت طبقاتی در جنبش کارگری ایران و سرکوب کارگران برای کسب حقوق حقه خود کاملاً آگاه هستند.

بخصوص که بخشی از این جنبش کارگری بین المللی خود همواره در معرض سرکوب بوده و پدیده های کودتا را با تمام وجود حس کرده (تایلند، بنگلادش و پاکستان) و تا پدیده اشغال افغانستان و عراق، و تعرض به حقوق سیاسی و اجتماعی خویش آگاه هستند، در این مورد میتوان از چین و آفریقای جنوبی که کارگران برای ابتدائی ترین حقوق خود مورد سرکوب و وحشیانه این رژیم ها قرار میگیرند نام برد. جنبش بین المللی کارگری با پدیده اشغال مرزبندی جدی کرده است فقط در موارد استثنایی با تحریم چنانچه از جنبش کارگری کشور خاصی اعلام شده باشد موافق هستند مانند آفریقای جنوبی و نمونه برمه از موارد خاص این دوره است.

اکنون با توجه به اهمیت حمایت بین المللی از جنبش کارگری ایران بر ماست که بکوشیم تا سطح مبارزات کارگری و حمایت از آنها به صدور اطلاعیه ها، فرامین اینترنتی و گردآوری امضاء محدود نشود. چرا که اینترنت یک ابزار اطلاع رسانی است و به هیچ وجه نمیتواند جای کار عملی را در صحنه مبارزاتی پر کند. این ابزار اطلاع رسانی میتواند هماهنگی کارهای عملی را تسریع کند و نه بالعکس.

در این دوره دولت ایران به همکاری های امنیتی منطقه آسیا نیازمند است و در این جهت حرکت‌هایی نیز داشته است، بطور مثال سفر رئیس جمهور ایران به قرقیزستان برای شرکت در جلسه همکاری نهاد‌های شانگهای پنج معروف است Cooperation Organisation Shanghai که کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان در آن شرکت داشتند. در ۲۲ اگوست ۲۰۰۷ برای شرکت در یک اجلاس به باکو پایتخت جمهوری آذربایجان سفر کرد، در آنجا با تظاهر کنندگانی روبرو شد که مخالف حضور ایشان بودند و ۸ نفر در این تظاهرات دستگیر شدند. نمونه دیگر قرار داد نظامی که بین ایران و سریلانکا در ماه گذشته بسته شد که مخالفت‌های کارگری را در جامعه سریلانکای به همراه داشت و در روزنامه ها انعکاس داشته است و جنبش کارگری سریلانکا در حال بررسی همکاری

متقابل در این زمینه است.

توضیحات داده شده در این سطور بیانگر اهمیت و ضرورت ارتباط جنبش کارگری ایران با جنبش کارگری جهانی میباشد که خوشبختانه جنبش طبقه کارگر ایران تاکنون ضمن حفظ استقلال

خویش توانسته در عرصه بین المللی به الگویی برای سایر جنبشهای کارگری تبدیل شود و آنچه هم اکنون در این رابطه مهم است تلاش برای کسب حمایتهای بیشتر از طریق انتشار و انعکاس بیشتر وضعیت و اخبار مبارزات کارگران ایران است.

در دیماه سال گذشته بخش کارگری حقوق بشر آی تی یو سی، زمانی که جلسات هماهنگی خود را برای روز جهانی دفاع و آزادی آقایان منصور اسانلو و محمود صالحی که در ماه مارس امسال برگزار کرد بود یکی از مسائلی که در این جلسات صحبت شد تلاش برای هماهنگی ساختن شرکت نماینده ای از ایران در اجلاس سالانه آی ال او بود. تا بتوان با حضور این نماینده و یا نمایندگان در اجلاس آی ال او مسئله نقض حقوق کارگری را مشخص تر مطرح کرد که در این رابطه مسئولیت و تلاش برای ایجاد این هماهنگی و سازماندهی را کنگره کارگران کانادا پذیرفت.

از همان ابتدا سندیکای شرکت واحد بدلیل فشارهای حاد وارده بر آن از پذیرش ارسال نماینده ای برای شرکت در این اجلاس سر باز زد که کاملاً هم قابل درک بود. همزمان با تلاش برای دعوت از نماینده ای از کارگران ایران برای شرکت در این اجلاس در بهمن ماه سال گذشته، برنامه ریزی کنگره سه ساله کارگران کانادا نیز جریان داشت که در زمره تدارکات این برنامه ریزی، دعوت از نهادهای کارگری کشورهای دیگر در بخش بین الملل این کنگره مطرح بود. بخش بین الملل کنگره برای مشارکت نماینده یا نمایندگانی از کارگران ایران از کانون مدافعان حقوق کارگران ایران دعوت بعمل آورد و کانون هم با همکاری نهادهای مستقل کارگری دیگر ۲ نماینده برای شرکت در کنگره معرفی نمود. در همین اثناء با درگذشت یانک کوژکیویسکز مسئول بخش حقوق بشر و کارگری آی تی یو سی، مسئله چگونگی پیگیری شرکت نماینده مستقل کارگری ایران پیش رو قرار گرفت و کنگره کارگری کانادا در تماسی با دفاتر آی تی یو سی در ژنو و بروکسل موضوع دعوت از نهاد یا نماینده مستقل جنبش کارگری ایران را مطرح ساخت و آنها با ذکر مرگ یانک به عنوان مسئول دعوت از نماینده مستقل کارگران به مشکلاتی اشاره داشتند که شامل تامین امنیت شخصی نماینده شرکت کننده و اینکه بر چه اساسی و از کدام نهاد باید نماینده یا نمایندگانی را دعوت کرد.

با توجه به مشکلات مطرحه، کنگره کارگری کانادا با طرح اقدام مستقیم خویش در دعوت از کانون مدافعان برای شرکت در کنگره اش و اینکه شخص دعوت شده رابطه شناخته شده و روشنی با کنگره و شخص یانک و نهادهای بین المللی کارگری داشته است و بطور مشخص مسئول روابط بین المللی سندیکای روزنامه نگاران مستقل ایران بوده و دبیر کانون میباشد و همچنین از همکاری ایشان با نشریات کارگری و سردبیری نشریه راه آینده برخوردارند، به آی تی یو سی پیشنهاد داد که برای کنفرانس سالیانه آی ال او از آقای ثقفی به عنوان نماینده مستقل دعوت بعمل آورد و آقای ثقفی نیز در مشورت با وکلای کانون مدافعان و پس از کسب اطلاع از عدم وجود مشکلات حقوقی آمادگی خود را برای شرکت در این کنفرانس اعلام کردند.

حضور و شرکت نماینده مستقل از ایران در کنفرانس آی ال او باعث شد تا نمایندگان کارگری منتخب دولت ایران تاکتیک سکوت را در کنفرانس آی ال او پیشه کنند. چرا که هر گونه ابراز وجود و نظر آنها میتواند با نظری از نقطه

مقابل توسط نماینده مستقل روبر شده و دامنه تنشها را در برخورد به سیاستهای ضد کارگری رژیم افزایش دهد. از این رونمایندگان دولتی که از طرف نهادهای حزب خانه کارگر و شورای اسلامی که در آنجا بودند از هرگونه ابراز نظری اجتناب نموده و حتی اقدام به طرح انتقادات معمول و تاکتیکی سطحی از سیاستهای ضد کارگری دولت نیز نمودند تا بدینوسیله حق صحبت و سخنرانی را از نماینده مستقل سلب کنند. و در این رابطه ناچارا نماینده رسمی دولت ایران بود که برخوردار از موقعیتی دیپلماتیک امکان صحبت یافت.

البته آنچه سخنگویان و نمایندگان کارگری آی تی یو سی در کنفرانس مطرح نمودند در اصل در برگیرنده مطالبی بود که آقای ثقفی و دیگر نهادهای مستقل کارگری ایران مد نظر داشتند. به چالش کشیدن دولت ایران در ارتباط با قطعنامه های ۸۷ و ۹۸ هنوز امکانپذیر در جلسات اصلی نمیباشد (گرچه ایران در سال ۸۲ در یک توافق نامه سه جانبه در تهران در ارتباط با مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ و اجرای آنرا موافقت کرده است ولی هنوز در خود آی ال او رسماً آنرا امضاء نکرده است) فقط مسئله کارگری مربوط به تبعیض جنسیتی و اقلیتها که در مقوله نامه ۱۱۱ آمده است امکان بررسی پرونده دولت را فراهم ساخت ولی در کمیته آزادی تشکل به حق تشکل و آزادی تشکل پرداخته شده و از اتحادیه ها خواسته شده که برای بررسی وضعیت کارگری و دیگر مسائل به ایران بروند. که گزارش مشروح آن موجود میباشد و خود سایت خانه کارگر ترجمه کلیه مطالب را روی سایت دسترنج گذاشته است. یک موضوع را از یاد نبریم درگیری های مقطعی خانه کارگر و شورای اسلامی کار ما را نباید متوهم کند که از درگیری مابین آنها میشود استفاده کرد این درگیریها مقطعی و خانوادگی و منافع کوتاه مدت است دراز مدت نه تنها از هم حمایت میکنند بلکه در مقابل هر نهادی قرار میگیرند اگر کلیت هر کدامشان را بخطر اندازد.

حال چگونگی آینده ارتباط با نهادهای بین المللی کارگری در نبود فضای آزاد تشکل کارگری برای ارتقاء کیفیت این ارتباط بر عهده بخشهای مختلف کارگری ایران و جنبش فراگیر آنهاست تا ضمن حفظ استقلال نهادی و طبقاتی خویش رابطه خود را با جنبش جهانی تنظیم نمایند و مرکز ثقل فعالیت خود را در این راستا همبستگی و اتحاد بیشتر با هم طبقه های خود در جهان قرار دهند و مسلماً در این صورت حرکت این جنبش با پرهیز از دسته بندیها و در جهت همبستگی پیش خواهد رفت که نمونه های بارز آنرا در جریان حمایت از کارگران ژاپن توسط سندیکا ی شرکت واحد دیدیم و یا شرکت فعالین سندیکای واحد در دادگاه کارگران زندانی ترکیه و کارگران ترکیه نیز در همین رابطه برای آزادی اسانلو و غلامحسینی در ترکیه تظاهراتی برگزار کردند. و یا نمونه فعالیت کانون مدافعان حقوق کارگران و دیگر نهادهای مستقل کارگری در ایندوره که فعالیتشان بی شباهت به جنبش مبارزه با آپارتاید آفریقای جنوبی نیست که تلاش خود را ارتقا سطح آگاهی کارگران و دفاع از آنها قرار داده است.

محدود ساختن تلاشهای بین المللی کارگری به فشار آوردن از طریق آی ال او کافی نیست. جنبش کارگری ایران بر حسب منافعش میتواند پهنه روابط جهانی خود را گسترش داده و با تشکلهای کارگری و مدافعین کارگری بسیاری از کشورها و تا حد امکان با کشورهایمانند هند، تایلند، فلسطین، کلمبیا، کره جنوبی، اندونزی، آرژانتین و بنگلادش ارتباط برقرار سازد. بد نیست در اینجا به تجربه بازدید حنفی رستندی از ایران و ملاقات با نمایندگان مستقل کارگری اشاره شود که منجر شد تا فعالین کارگری با شرایط مشابه و حتی بدتر کارگران کشورهای دیگر آشنا شدند و در عین حال نهادهای بین المللی از نزدیک و بدون واسطه با جنبش مستقل کارگری ملاقات کردند.

اصولا در این پروسه هاست که دفاع از حقوق کارگران توسط جنبش طبقاتی آنان میتواند حوزه فعالیت خود را گسترش داده و همانند تجربه دیگر کشورها مانند برزیل و هند از جنبش زنان، بیکاران، تن فروشان و کودکانی که مورد سوء استفاده قرار میگیرند به دفاع برخیزد و یا اعتراض به برخوردهای غیر انسانی و ضد کارگری دولتهای کشورهای مجاور عکس العمل نشان دهند.

جنبش کارگری ایران تاکنون با تمام کاستی هایش موفق شده است که جایگاه خویش را در روابط بین المللی کارگری بیابد و ادامه حفظ روند این جایگاه نیازمند دقتی بالا و هوشیاری فراوان است که امیدوارم نهادها و فعالین کارگری با نقد و بررسی و جمع بندی از تجارب تاکنونی این روابط برنامه دراز مدتی برای پیشبرد ارتباط مستقل خویش با کارگران و نهادهای کارگری جوامع دیگر طراحی کنند.

مهدی کوهستانی

مرداد ۱۳۸۷

اگوست ۲۰۰۸